

شناسایی راهبردهای اجرای خطمشی‌های اعتباری در بانک‌های قرض‌الحسنه کشور مبتنی بر روش تحلیل مضمون

نوع مقاله: پژوهشی

محمد مهدی غلامی^۱

علی فرهادی محلی^۲

علیرضا معطوفی^۳

حسین آریایی نژاد^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۴/۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۶/۲۹

چکیده

هدف از پژوهش حاضر شناسایی راهبردهای اجرای خطمشی‌های اعتباری در بانک‌های قرض‌الحسنه کشور است. پژوهش حاضر بر اساس پارادایم تفسیری بوده و ماهیت آن اکتشافی-توصیفی می‌باشد و از نظر هدف نیز در دسته پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد. به‌منظور دستیابی به داده‌ها، روش کیفی مورد استفاده قرار گرفت. جامعه آماری پژوهش، خبرگان علمی (اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی کشور و پژوهشگران در حوزه بانکی با تالیفات علمی مرتبط با موضوع پژوهش و شورای پژوهشی و پژوهشگران مرکز پژوهش‌های مجلس و پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی) و خبرگان اجرایی-مدیریتی (مدیران عالی، میانی و عملیاتی بانک‌های قرض‌الحسنه شامل مدیران عامل، اعضای هیات مدیره، معاونین مدیر عامل، مدیران ادارات کل و مدیران استان‌ها و همچنین مدیران بانک مرکزی و معاونت‌های مرتبط در وزارت امور اقتصادی و دارایی و نمایندگان فعلی و ادوار کمیسیون اقتصادی مجلس) می‌باشند. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی متون بوده است. با استفاده از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند، ۱۵ مصاحبه اکتشافی و عمیق با خبرگان تا رسیدن به اشباع نظری انجام شد. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون و از نرم‌افزار MAXQDA20 استفاده شد. نمودار چندسطحی روابط مضامین اکتشافی پژوهش (راهبردهای

۱- گروه مدیریت دولتی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

mohammadmahdi.gholami63@iau.ac.ir

۲- گروه مدیریت دولتی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران (نویسنده مسئول)

alifarhadi@iau.ac.ir

alireza.matoufi@iau.ac.ir

۳- گروه مدیریت، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

hosseinaryaeinezhad@iau.ac.ir

۴- گروه حسابداری، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

اجرای خط‌مشی‌های اعتباری) با ۱۱۳ مضمون پایه، ۱۵ مضمون سازمان‌دهنده و ۳ مضمون فراگیر (راهبردهای قانونی، راهبردهای اجرایی و راهبردهای کنترلی) استخراج گردید. یافته‌های پژوهش نمایانگر راهبردهای اجرای خط‌مشی‌های اعتباری در قالب مضامین راهبردهای قانونی (اصلاح و به‌روزرسانی قوانین و مقررات پولی و بانکی، تدوین خط‌مشی‌ها مبتنی بر اصول و روش علمی و حمایت و پشتیبانی قانونی و معنوی در سطح کلان از مأموریت بانک)، راهبردهای اجرایی (ظرفیت‌سازی، ترویج فرهنگ قرض‌الحسنه، گسترش و تنوع ابزارهای اجرای خط‌مشی‌های اعتباری، کاربست حاکمیت شرکتی، توسعه و توانمندسازی مجریان، مدیریت جامعه هدف، مشتری‌محوری، شناخت رقبا و افزایش توان رقابت و تثبیت جایگاه بانک در نظام پولی کشور) و راهبردهای کنترلی (اصلاح و تقویت نظام کنترل داخلی، مدیریت جامع ریسک‌های صنعت بانکداری و کاربست نتایج ارزیابی اجرای خط‌مشی‌های اعتباری) می‌باشد. خط‌مشی‌های اعتباری مبتنی بر جهت‌ها، اولویت‌ها، اصول و اهداف بانک به‌عنوان جزء مهم و لاینفک خط‌مشی‌های کلان یک بانک شناخته می‌شود و کاربست راهبردهای ارائه‌شده در این پژوهش در قالب مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر، در اجرای خط‌مشی‌های اعتباری موثر خواهد بود.

واژگان کلیدی: اجرای خط‌مشی، بانک قرض‌الحسنه، خط‌مشی اعتباری، راهبرد

طبقه‌بندی JEL: H83, G21, E51, H89

مقدمه

نظام اقتصادی ایران یک نظام بانک‌محور است که اتکای کمی به بازار سرمایه از حیث تأمین مالی صنایع و بنگاه‌های اقتصادی دارد و بدیهی است تا زمانی که سهم بازار سرمایه ایران از این جریان مالی گسترده و فراگیر نشده است، خط‌مشی‌های اعتباری و وضعیت نظام تسهیلات و اعتبارات بانکی اثری بزرگ و مستقیم بر متغیرهای کلان اقتصاد کشور بر جای می‌گذارد و اصلاح و تقویت ساختاری آن در اولویت امور قرار می‌گیرد (قلیچ و خوانساری، ۱۳۹۹). موفقیت نظام بانکی مستلزم طراحی و اجرای سیستم مناسب در امر اعطای تسهیلات و تدوین استراتژی شفاف و عملی برای وصول تسهیلات پرداخت‌شده است (نبلی و همکاران، ۱۳۹۴) و از آنجایی که بخش اعظم دارایی مؤسسات مالی و اعتباری به‌ویژه بانک‌ها مربوط به اعتبارات و تسهیلات اعطایی به افراد حقیقی یا حقوقی و یا سرمایه‌گذاران اعم از بخش دولتی و غیردولتی می‌شود، در نتیجه مدیریت و اداره این بخش از دارایی‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (خرمی و همکاران، ۱۳۹۹). بر این مبنا می‌توان اذعان داشت با توجه به نقش برجسته نظام بانکی در اقتصاد کشور، از جمله مفاهیمی که امعان نظر به آن می‌تواند برای دستیابی به اهداف نظام بانکی نقش ویژه‌ای را ایفا نماید، مفهوم خط‌مشی اعتباری^۱ است.

خط‌مشی اعتباری به‌مراتب کمتر از سیاست پولی غیرمتعارف توسط خط‌مشی‌گذاران و محققان دانشگاهی شناخته شده است؛ مشکل از آنجایی نشأت می‌گیرد که خط‌مشی اعتباری به‌عنوان یک خط‌مشی استاندارد در بانک مرکزی مورد توجه قرار نگرفته و در نتیجه به‌خوبی نیز در نظام بانکی تثبیت نشده است (کوالوا و ایورگاچوا، ۲۰۲۱). در نگاهی کلان، خط‌مشی اعتباری در نظر دارد با ایجاد تغییراتی در ترکیب دارایی‌های بانک مرکزی، شرایط اعتباری را در اقتصاد تسهیل کند و بر جریان سرمایه یا تخصیص اعتبار در بخش خصوصی تأثیر بگذارد (لی، ۲۰۱۹)؛ و از طرف دیگر در نگاهی خرد، بانک‌ها نیز برای تشکیل ساختار کیفی دارایی‌های اعتباری، خط‌مشی اعتباری داخلی خود را بر اساس رویکردهای محتاطانه برای شکل‌گیری ارزش منابع اعتباری، امنیت و تعادل، مطابق با معیارهای ریسک و دوره اعتباری ایجاد می‌کنند (کوالوا و ایورگاچوا، ۲۰۲۱). از این منظر، یک خط‌مشی اعتباری مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها است که شرایط اعتبار و پرداخت را برای مشتریان تعیین می‌کند و یک مسیر اقدام روشن برای پرداخت‌های معوق ایجاد می‌کند (بودی، ۲۰۱۳). بنابراین، خط‌مشی اعتباری جهت‌هایی را برای توسعه فعالیت‌های وام‌دهی بانک با توجه به تأیید ریسک‌های اعتباری قابل قبول، تصمیم‌گیری در مورد انتخاب وام‌گیرندگان قابل اعتماد، فوریت و

1. Credit Policy
2. Kovalova & Iorgachova
3. Lee
4. Budde

سررسید وام و راه‌هایی برای اطمینان از انجام تعهدات اعتباری تعیین می‌کند. این چشم‌انداز، تغییر در سودآوری و ریسک پرتفوی وام و موقعیت رقابتی یک بانک در بخش پول و اعتبار بازار مالی را تعیین می‌کند. نامشخص بودن محیط اقتصادی منجر به بازنگری در ماهیت و محتوای خط‌مشی اعتباری بانک می‌شود که نیازمند بهبود ابزارهای تحلیلی برای مدیریت خط‌مشی اعتباری به‌منظور پاسخ‌گویی به‌موقع به ریسک‌های اقتصادی سیستماتیک و خاص در حال ظهور است (کوالوا و ایورگاچوا، ۲۰۲۱). از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که در قانون بانکداری ایران به آن تاکید شده است، عقد قرض‌الحسنه می‌باشد.

سپرده‌های قرض‌الحسنه به‌عنوان یکی از بازوهای مهم عملیاتی کردن نظام بانکداری بدون ربا، در سال‌های گذشته با چالش‌های فراوانی روبه‌رو بوده است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، کاهش تدریجی سهم این سپرده‌ها و به‌تبع آن کاهش تخصیص تسهیلات قرض‌الحسنه اعطایی بانک‌هاست (توحیدی‌نیا و فولادگر، ۱۳۹۷) و به‌دلیل تحمیل سقف قیمتی پایین‌تر از قیمت تعادلی بازار، این بازار دائماً با کسری عرضه و مازاد تقاضا روبروست (ناجی، ۱۳۹۸). برای مثال، به‌دلیل عدم جذابیت ابزار قرض‌الحسنه برای بانک‌ها که فاقد اصلی‌ترین انگیزه، هم برای سپرده‌گذار و هم برای بانک، یعنی سودآوری است، سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه در نظام بانکی علی‌الدوام رو به کاهش بوده و این عقد جای خود را به انواع دیگر عقود به‌خصوص عقود مشارکتی داده است.

علاوه بر مسائل موجود در حوزه اجرای خط‌مشی‌های اعتباری در شبکه بانکی از قبیل توسعه‌نیافتگی بازار پولی اقتصاد کشور از جنبه‌های تامین منابع اعتبارات، فرآیند اعطای اعتبارات و نظارت بر مصرف آن، فقدان یک راهبرد مشخص در راس سیاست‌گذاری نظام پولی و بانکی کشور، سلامت چرخه اعتباری در اقتصاد کشور (قلیچ و خوانساری، ۱۳۹۹)، عدم انطباق شرعی برخی از عملیات بانکی (ملاکریمی و قلیچ، ۱۳۹۵) و رفع دغدغه شرعی متشرعان و رفع بی‌اعتمادی به سیستم بانکی فعلی، عدم اجرای صحیح قانون عملیات بانکی بدون ربا، سازمان‌دهی بازار غیرمتمن پولی و بازار قرض‌الحسنه در کشور، رقابت‌های ناسالم، تخصیص شدن عملیات اجرایی قرض‌الحسنه در کشور، کارکرد بانک‌ها در ارتباط با حساب‌های قرض‌الحسنه (عزیزنژاد و همکاران، ۱۳۸۷)، توزیع نامناسب تسهیلات اعطایی و ضعف در تخصیص تسهیلات بر اساس اولویت‌بندی و مکان‌یابی صحیح (ابراهیمی و جلالی‌نائینی، ۱۴۰۰؛ سیدنورانی و همکاران، ۱۳۹۸؛ طاهرپور و همکاران، ۱۳۹۸؛ ایروانی و همکاران، ۱۳۹۱) و ریسک اعتباری و نکول تسهیلات اعطایی (نادری و همکاران، ۱۳۹۸؛ ندیری و همکاران، ۱۳۹۷ و عزیزنژاد و همکاران، ۱۳۸۷)، نحوه تخصیص بهینه، کارآمد و مؤثر وجوه قرض‌الحسنه نیز همواره یکی از مهم‌ترین مسائل نظام بانکی در راستای رسیدن به اهداف مد نظر خط‌مشی‌گذاری اعتباری بوده است. تخصیص بهینه این وجوه، علاوه بر ایجاد انگیزه مضاعف در سپرده‌گذاران فعلی

قرض الحسنه با شفاف‌سازی در خصوص تأمین نیت و اغراض خیرخواهانه سپرده‌گذاران، زمینه جذب سپرده‌گذاران جدید متمایل به اهداف خیرخواهانه را نیز فراهم می‌آورد. به‌علاوه بستری کارآمد و مؤثر برای تأمین مسئولیت اجتماعی بانک‌ها و رفتار اعتباری را فراهم می‌آورد (قائمى و خلجی، ۱۴۰۰). به‌طور کلی، آسیب‌شناسی و بررسی وضع موجود تجهیز و تخصیص منابع قرض‌الحسنه نشان‌دهنده مسائلی از قبیل خलाهاى قانونی، رقابت بانک‌ها برای افزایش سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری، نبود اراده جدی برای گسترش قرض‌الحسنه از طرف مدیران بانکی، تغییرات فرهنگی و اعتقادی، سقف و تنوع کم تسهیلات قرض‌الحسنه (توحیدی‌نیا و فولادگر، ۱۳۹۷)، عدم تخصیص سپرده‌های قرض‌الحسنه به وام قرض‌الحسنه، بی‌توجهی به سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری در پرداخت وام قرض‌الحسنه، مشخص شدن مصارف متعدد برای قرض‌الحسنه بدون اولویت‌بندی مناسب، ضعف در پاسخگویی به نیازهای اساسی مردم و اقشار نیازمند متناسب با اولویت‌های اجتماعی و در نظر گرفته نشدن کارمزد به‌عنوان مزد کار می‌باشد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۳). از سوی دیگر بانک‌های قرض‌الحسنه نیز با مسائل و چالش‌هایی در اجرای خط‌مشی‌های اعتباری از قبیل کیفیت خط‌مشی‌گذاری اعتباری بانک، محدودیت در سقف وام قرض‌الحسنه، ابهام در ابعاد فقهی و قانونی طرح‌های اعتباری بانک، تک‌محصولی بودن در عقود اعطای تسهیلات، اخذ کارمزد وام با نرخ ثابت صفر تا ۴ درصد به‌صورت سالانه و شیوه اخذ تضامین و وثایق از متقاضی نیز مواجه هستند.

آمارها نیز بر اهمیت مساله خط‌مشی‌گذاری در حوزه اعتبارات قرض‌الحسنه و راهبردهای اجرای آن دلالت دارد. سهم مانده وام قرض‌الحسنه از مانده کل تسهیلات اعطایی بانک‌ها و موسسات اعتباری به بخش غیر دولتی از ۱۱ درصد در سال ۱۳۶۳ فقط تا ۱۵ درصد در سال ۱۴۰۲ افزایش یافته است (مانده کل تسهیلات اعطایی بانک‌ها در سال ۱۴۰۲ نزدیک به ۶۵،۰۰۳ هزار میلیارد ریال بوده است که از این مقدار ۹،۶۰۰ هزار میلیارد ریال سهم وام‌های قرض‌الحسنه می‌باشد). سهم مانده وام اعطایی قرض‌الحسنه از مجموع سپرده قرض‌الحسنه در نظام بانکی از سال ۱۳۶۳ تا سال ۱۳۸۶ به‌طور میانگین کمتر از ۸ درصد بوده است و پس از آن نیز فقط تا ۳۸ درصد در سال ۱۴۰۲ افزایش یافته است و این نشان می‌دهد که ۶۲ درصد از مانده سپرده‌های قرض‌الحسنه به اعطای وام قرض‌الحسنه تخصیص نیافته است^۱ (تارنمای بانک مرکزی ج.ا.ا، ۱۴۰۳). و این موضوع به‌طور کلی نمایان‌گر وجود انحراف در عملکرد شبکه بانکی در تخصیص منابع قرض‌الحسنه می‌باشد و از سوی دیگر و با توجه به هم‌زمانی رشد این سهم با تاسیس بانک‌های قرض‌الحسنه پس از سال ۱۳۸۶، به نظر می‌رسد عملکرد این بانک‌ها در کاهش نرخ انحراف سهم مانده وام اعطایی قرض‌الحسنه از مجموع سپرده قرض‌الحسنه در نظام بانکی اثرگذار بوده است. همچنین شایان ذکر است که کل منابع بانک‌های قرض‌الحسنه (شامل

۱. تارنمای بانک مرکزی ج.ا.ا، بخش آمار و داده‌ها، ۱۴۰۳

بانک‌های قرض‌الحسنه مهر ایران و رسالت) در سال ۱۴۰۲ نزدیک به ۴،۱۸۰ هزار میلیارد ریال بوده که سهم سپرده بانک‌های قرض‌الحسنه از کل سپرده‌های نظام بانکی و سپرده‌های قرض‌الحسنه نظام بانکی به ترتیب ۵/۴ درصد و ۱۶/۵ درصد بوده است. مانده وام اعطایی بانک‌های قرض‌الحسنه در سال ۱۴۰۲ نیز ۳،۴۴۳ هزار میلیارد ریال بوده که سهم وام بانک‌های قرض‌الحسنه از کل تسهیلات اعطایی و وام‌های قرض‌الحسنه اعطایی نظام بانکی به ترتیب ۵/۳ درصد و ۳۶ درصد بوده است.^۱ (تارنمای بانک‌های قرض‌الحسنه، ۱۴۰۳). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود بانک‌های قرض‌الحسنه سهم بالایی در سپرده‌ها و وام‌های قرض‌الحسنه را در شبکه بانکی (بیش از یک‌سوم) به‌خود اختصاص داده‌اند و این سهم به‌طور مستمر در حال افزایش می‌باشد که نشان‌دهنده عملکرد رو به رشد بانک‌های قرض‌الحسنه در شبکه بانکی است. با وجود رشد فزاینده عملکرد این بانک‌ها در تجهیز و تخصیص منابع قرض‌الحسنه، آن‌ها همچون سایر بانک‌ها با مسائل و مشکلاتی مربوط به حوزه اجرای خط‌مشی‌های اعتباری در شبکه بانکی که قبلاً به آن‌ها اشاره شده است دست به‌گریبان هستند و شناسایی و ارائه راهبردهایی برای اجرای موثر خط‌مشی‌های اعتباری بانک‌های قرض‌الحسنه به‌منظور بهبود عملکرد و تضمین ارتقای جایگاه این بانک‌ها در بازار پولی کشور ضروری و حائز اهمیت می‌باشد. لذا راهبردهای اجرای خط‌مشی‌های اعتباری در بانک‌های قرض‌الحسنه در بازار پولی کشور حائز اهمیت است.

لذا علی‌رغم اهمیت موضوع راهبردهای اجرای خط‌مشی‌های اعتباری، مبانی نظری و پیشینه تجربی مربوط به این حوزه در شبکه بانکی و بالاخص در بانک‌های قرض‌الحسنه کشور از غنای لازم برخوردار نیست و خلاء در ارائه راهبردهای اجرای خط‌مشی‌های اعتباری در بانک‌های قرض‌الحسنه کشور مشهود است. لذا با توجه به اهمیت موضوع و شکاف تحقیقاتی، مطالعه حاضر با هدف شناسایی راهبردهای اجرای خط‌مشی‌های اعتباری در بانک‌های قرض‌الحسنه کشور انجام گردید و درصدد پاسخ به این پرسش اساسی است که راهبردهای اجرای خط‌مشی‌های اعتباری در بانک‌های قرض‌الحسنه کشور چگونه است؟

مبانی نظری پژوهش

منظور از خط‌مشی‌های اعتباری، مجموعه سیاست‌های نظام بانکی در مورد نرخ سود تسهیلات و میزان تسهیلات اعطایی به بخش‌های مختلف اقتصادی است (تشکینی و همکاران، ۱۳۹۵). به خط‌مشی یک دولت در یک زمان خاص مبنی بر اینکه وام گرفتن برای مردم و مشاغل چقدر آسان

۱. تارنمای بانک‌های قرض‌الحسنه، بخش آمار و داده‌ها، ۱۴۰۳

یا دشوار است و چقدر باید هزینه داشته باشد خط‌مشی اعتباری می‌گوید (فرهنگ لغت تجاری لانگمن^۱، ۲۰۲۵).

به‌طور کلی، خط‌مشی اعتباری به‌عنوان یک رویکرد مؤثر برای تعقیب اهداف خط‌مشی غیر از مدیریت نرخ بهره تلقی می‌شود (بزم و همکاران^۲، ۲۰۲۳). به تبعیت از نمونه ۳ (۲۰۱۴) خط‌مشی اعتباری ممکن است، به‌عنوان «هر وسیله‌ای که توسط دولت یا بانک مرکزی برای تأثیرگذاری بر تخصیص اعتبار استفاده می‌شود» تعریف گردد (بزم و همکاران، ۲۰۲۳).

مطالعه مبانی نظری این حوزه نمایان‌گر این موضوع است که خط‌مشی اعتباری را می‌توان از دو منظر کلان (خط‌مشی‌های اعتباری بانک مرکزی) و خرد (خط‌مشی‌های اعتباری در شبکه بانکی) مورد تحلیل و بررسی قرار داد.

از منظر کلان و در حوزه سیاست‌گذاری بانک‌های مرکزی، گودفردند^۴ (۲۰۱۱) نقطه شروع خوبی را در مفهوم‌سازی خط‌مشی اعتباری پیشنهاد کرده است. او عملیات بانک مرکزی را به سیاست پولی و سیاست اعتباری تقسیم می‌کند. در طبقه‌بندی وی، سیاست پولی به عملیات بازار باز اشاره دارد که با خرید یا فروش اوراق خزانه، اندوخته و ارز بانکی را افزایش یا کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، خط‌مشی اعتباری ترکیب دارایی‌های بانک مرکزی را تغییر می‌دهد و مقدار کل آنها را ثابت نگه می‌دارد. به‌عبارت دیگر، سیاست اعتباری شامل اعطای وام به وام‌گیرندگان خاص یا تحصیل اوراق بهادار غیر خزانه با عواید حاصل از فروش اوراق خزانه است. مطمئناً در اصل هر سیاست پولی یک سیاست اعتباری است زیرا اعتبار کانال اصلی انتقال سیاست پولی است.

لی (۲۰۱۹) نیز، سیاست‌های جاری بانک‌های مرکزی را به سیاست پولی، سیاست اعتباری و سیاست احتیاطی کلان دسته‌بندی می‌کند. در این طبقه‌بندی، سیاست پولی را می‌توان بیشتر به سیاست‌های پولی متعارف و غیرمتعارف تقسیم کرد. از سوی دیگر، سیاست اعتباری در نظر دارد با ایجاد تغییراتی در ترکیب دارایی‌های بانک مرکزی، شرایط اعتباری را در اقتصاد تسهیل کند و بر جریان سرمایه یا تخصیص اعتبار در بخش خصوصی تأثیر بگذارد (لی، ۲۰۱۹). سیاست‌های اعتباری و سیاست‌های احتیاطی کلان می‌توانند هم‌پوشانی داشته باشند زیرا هر دو سیاست اغلب شامل نوعی کنترل اعتبار یا تخصیص اعتبار با هدف بخش‌های خاص هستند (شین^۵، ۲۰۱۵). با وجود این شباهت‌ها، ظاهراً این دو سیاست در اولویت‌هایشان متفاوت هستند. سیاست احتیاط کلان عمدتاً با

1. Longman Business Dictionary

2. Bezemer et al.

3. Monet

4. Goodfriend

5. Shin

هدف محدود کردن رشد اعتبار از منظر مدیریت ریسک سیستمی است، در حالی که سیاست اعتباری توجه زیادی به در دسترس بودن اعتبار، در کل اقتصاد یا بخش‌های خاص دارد و هدف آن اصلاح شکست‌ها در واسطه‌گری مالی است. تا اوایل دهه ۲۰۰۰، خطمشی اعتباری نقش نسبتاً ناچیزی در اقتصادهای پیشرفته داشت. با این حال، اکنون این موضوع به رسمیت شناخته شده است که رویکرد مرسوم بانک مرکزی نیاز به بازنگری اساسی دارد. استفاده از نرخ بهره به عنوان ابزار اصلی سیاست پولی در ابتدا گامی اساسی برای بانک‌های مرکزی برای تثبیت تورم و اقتصاد کلان تلقی می‌شد، اما امروزه اهمیت خطمشی اعتباری ثابت شده است و به عنوان یک مکمل مفید برای مجموعه ابزارهای بانک‌های مرکزی است (لی، ۲۰۱۹).

به نظر مونه (۲۰۱۴) ابزارهای خطمشی اعتباری با ابزارهای سیاست پولی هم‌پوشانی دارند، اما با ابزارهای سیاست پولی یکسان نیستند. هر دو «اقدامات مداخله‌گرایانه در فرآیند تخصیص (اعتبار) هستند و می‌توانند به عنوان ابزارهایی برای کنترل عرضه پول و تورم به کار روند». لذا تفاوت در این است که سیاست پولی با مدیریت سطح قیمت سروکار دارد، در حالی که خطمشی اعتباری "مربوط به روند تخصیص اعتبار" با "پیامدهایی برای توسعه صنعتی به جای تورم" است. در این دیدگاه، سیاست پولی و خطمشی اعتباری اهداف متفاوتی (ثبات قیمت در مقابل تخصیص اعتبار) دارند و می‌توانند در کنار یکدیگر وجود داشته باشند. همچنین خطمشی اعتباری از سیاست احتیاطی کلان گسترده‌تر است. هدف از این کار کاهش ریسک سیستماتیک برای سیستم مالی از طریق محدود کردن رشد اعتبار در بخش‌های خاص (مشابه کنترل‌های اعتباری)، مهار رشد اعتبار کلی، یا تضمین میانجی کافی در مؤسسات مالی می‌باشد. در مقابل، اهداف خطمشی اعتباری معمولاً با توجه به بخش واقعی و نه فقط بخش مالی، تعریف می‌شوند. سیاست‌های احتیاطی کلان که به تازگی ابداع شده‌اند، با هدف کاهش ریسک سیستمی، در واقع -اگر نه به نام- اشکالی از خطمشی اعتباری هستند (بزمر و همکاران، ۲۰۲۳).

از منظر خرد و در حوزه خطمشی‌گذاری داخلی شبکه بانکی نیز یک خطمشی اعتباری تعیین می‌کند که چه مشتریانی واجد شرایط دریافت اعتبار از موسسه هستند و نحوه جمع‌آوری بدهی‌های پرداخت‌نشده را مشخص می‌کند. خطمشی اعتباری مجموعه‌ای از شرایط است که نحوه صدور اعتبار برای مشتریان و وصول بدهی‌های پرداخت‌نشده توسط موسسه را مشخص می‌کند (فریدمن، ۲۰۲۳). به زعم گلنترز (۲۰۰۳) خطمشی و سیاست‌های کلان اعتباری باید منبعث از راهبردهای اصلی کسب و کار بانک و در برگیرنده اصول راهنمای مرتبط با فعالیت اصلی اعتباری شامل: نسبت تنوع‌بخشی

1. Freedman

2. Glantz

بهینه پرتفوی اعتبارات بانک، شرح کاملی از موضع بانک در خصوص چگونگی اعطای اعتبار بر اساس نوع وام، بخش اقتصادی، منطقه جغرافیایی، نوع پول، سررسید، سود مورد انتظار، بازارهای هدف و کلیه عوامل مرتبط با قیمت‌گذاری ریسک اعتباری باشد. بدیهی است که هر چقدر این خط‌مشی‌ها پخته‌تر و کامل‌تر تدوین شود، ثبات، شفافیت و سازگاری فلسفه تسهیلات‌دهی را افزایش داده و نشان‌گر چارچوب مدیریت ریسک بالغ‌تر خواهد بود (کومار و همکاران، ۲۰۱۱). یک خط‌مشی اعتباری خوب به اهداف زیر دست می‌یابد:

- مشتریان خاصی را برای اعتبار واجد شرایط و رد صلاحیت می‌کند؛
 - شرایط پرداخت اعتبار را برای مشتریان واجد شرایط تعریف می‌کند؛
 - حداکثر محدودیت اعتبار را تعیین می‌کند؛
 - نحوه جمع‌آوری بدهی‌های معوق بانک را تشریح می‌کند (ژانگ و همکاران، ۲۰۲۱).
- در میان دانشمندان، هیچ درک واحدی در مورد ماهیت اقتصادی مفهوم خط‌مشی اعتباری وجود ندارد، که این امر منجر به بحث‌برانگیز بودن این پدیده شده و لذا بررسی ویژگی‌های مفهومی کلیدی آن‌را موضوعیت می‌بخشد:

- استراتژی و تاکتیک‌های بانک؛
 - سند داخلی بانک که هنگام تشکیل سبد وام از آن پیروی می‌کند؛
 - نظام قوانین، معیارها و اقدامات بانک در زمینه اعطای وام به مشتریان؛
 - جهت‌ها، اولویت‌ها، اصول و اهداف بانک؛
 - رویکرد و مفهوم کلی وام‌دهی؛
 - جزء لاینفک سیاست کلی بانک است.
- مجموعه‌ای از این ویژگی‌ها اجازه می‌دهد تا یک دیدگاه جامع از ماهیت و ویژگی‌های خط‌مشی اعتباری یک بانک شکل گیرد. ماهیت خط‌مشی اعتباری باید از طریق منشور کارکردهای ترسیم‌شده در استراتژی توسعه موسسه بانکی مورد توجه قرار گیرد، که در درجه اول با هدف حداکثر کردن منابع برای پاسخ سریع به عدم قطعیت‌های محیط خارجی و داخلی است (ستیاوان و همکاران، ۲۰۲۰). در شکل ۱ به اختصار اهداف استراتژیک خط‌مشی اعتباری در یک بانک ارائه شده است.

-
1. Kumar et al.
 2. Zhang et al.
 3. Setiawan et al.



شکل ۱. سیستم‌سازی اهداف استراتژیک خط‌مشی اعتباری بانک‌ها

منبع: کوالوا و ایورگاچوا، ۲۰۲۱

مدیریت استراتژیک خط‌مشی اعتباری بانک به شکل‌گیری استراتژی‌های اعتباری مؤسسه مالی و نیز شفاف‌سازی هدف و بنابراین، دامنه اهداف و انتخاب روش‌های دستیابی به آنها مربوط می‌شود. در شرایط عدم اطمینان، بانک باید عوامل محیطی بیرونی و داخلی را که بر پویایی اعطای وام به افراد و بنگاه‌ها تأثیر مستقیم دارد، در نظر بگیرد (کوالوا و ایورگاچوا، ۲۰۲۱).

در شکل ۲ عوامل کلان مؤثر در شکل‌گیری خط‌مشی اعتباری بانک ارائه شده است. عوامل اقتصاد کلان، گروهی از ریسک‌های سیستماتیک را تشکیل می‌دهند که بانک نمی‌تواند مستقیماً بر آنها تأثیر بگذارد، اما باید آنها را هنگام اعطای وام در نظر بگیرد.



شکل ۲. عوامل کلان مؤثر در شکل‌گیری خط‌مشی اعتباری بانک

منبع: کوالوا و ایورگاچوا، ۲۰۲۱

در شکل ۳ عوامل خرد مؤثر در شکل‌گیری خط‌مشی اعتباری بانک ارائه شده است. عوامل شناسایی‌شده، مرتبط و وابسته به هم هستند و می‌توانند تأثیر چندوجهی بر وضعیت فعلی خدمات اعتباری بازار مؤسسات بانکی و روندهای این بازار داشته باشند.



شکل ۳. عوامل خرد مؤثر در شکل‌گیری خطمشی اعتباری بانک

منبع: کوالوا و ایورگاچوا، ۲۰۲۱

پیشینه تجربی پژوهش

فاتیکسون^۱ (۲۰۲۳) در مطالعه خود تحت عنوان «رویکردی جدید به مفهوم سیاست اعتباری و پولی در بخش بانکداری ازبکستان»، توسعه یک روش استاندارد برای تعیین طرح تجاری برای سیستم تامین مالی هدفمند و راهکارهای دستیابی به آن را ارائه نمود. باررا و راجیپرو^۲ (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «عوامل خاص بانک و شواهد ریسک اعتباری از بانک‌های ایتالیایی در بازارهای محلی مختلف» نشان دادند که خطمشی اعتباری نظارتی، سرمایه‌گذاری، حجم اعتبار و حجم هزینه‌های واسطه‌ای معیارهای اصلی بانکی هستند که بدون تاثیر از ساختار بازار و نوع مؤسسات بانکی، به‌طور قابل توجهی بر کیفیت اعتبار و به‌طور خاص بر وام‌های غیرجاری تأثیر می‌گذارند. بزم و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «خطمشی اعتباری و تغییر بدهی در اقتصادهای پیشرفته» نشان دادند که خطمشی اعتباری فعال برای حمایت از بخش‌های مولد اقتصاد ممکن است (علاوه بر سیاست‌های کلان احتیاطی ریسک‌محور) برای تحریک رشد اقتصادی پایدار و تضمین تامین مالی کافی برای چالش‌های بزرگ اقتصادی مورد نیاز باشد. کوالوا و ایورگاچوا (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «خطمشی‌های

1. Fatixovna

2. Barra & Ruggiero

اعتباری یک بانک تجاری در شرایط عدم اطمینان محیط اقتصادی» در کشور اوکراین تاکید نمودند که در شرایط عدم اطمینان، بانک باید عوامل محیطی بیرونی و داخلی را که بر پویایی وام‌دهی به افراد و بنگاه‌ها تأثیر مستقیم دارند در نظر بگیرد و می‌بایست در مرحله برنامه‌ریزی استراتژیک مالی، نظارت بر اجرای وظایف تعیین‌شده و تنظیم به‌موقع خط‌مشی مطابق با نیاز مؤسسه بانکی برای امنیت مالی و اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. لی (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان «اثر بخشی خط‌مشی اعتباری: شواهدی از جمهوری کره» معتقد است که در واکنش به بحران مالی جهانی و رکود بزرگ متعاقب آن، بانک‌های مرکزی اقدامات غیرمعارف مختلفی را آغاز کردند. از جمله، خط‌مشی اعتباری به‌طور گسترده در بسیاری از اقتصادهای پیشرفته به‌کار گرفته شده است. به‌ویژه، بررسی کرده است که آیا خط‌مشی اعتباری در تحریک اقتصاد واقعی در جمهوری کره موثر بوده است یا خیر. شویی و وان^۱ (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان «خط‌مشی اعتباری، نوسانات نرخ واقعی ارز و خطر اخلاقی» دریافتند که خط‌مشی اعتباری نامتعارف تأثیر مثبتی بر تولید و مصرف داخلی دارد و وام دادن به شرکت‌های خانگی از قیمت سرمایه حمایت می‌کند در حالی که وام دادن به بانک‌ها از ریسک‌پذیری بخش مالی حمایت می‌کند. نتایج پژوهش یونسی (۱۴۰۱) با عنوان «واکاوی و رتبه‌بندی آثار اقتصادی تسهیلات قرض‌الحسنه: رویکرد AHP» نشان داد اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه به ترتیب بر تامین نیازهای متنوع مالی مردم، رشد و توسعه، اشتغال، مصرف، توسعه کسب و کار، سرمایه‌گذاری، تامین مالی، عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه درآمد، توسعه مالی، بهره‌وری، پس‌انداز و تولید تأثیر دارد. علاوه بر این یافته‌های تحقیق تأثیر قرض‌الحسنه بر انتقال پول از طبقات، درآمد سرانه، فقر، نهادسازی، تامین اجتماعی، فاصله طبقاتی و رکود اقتصادی را تایید نکرد. عاقلی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «عوامل موثر بر اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه در ایران» بیان نمود که تولید ناخالص داخلی، نرخ سود تسهیلات بانکی و تعداد ازدواج ثبت شده بر تسهیلات اعطایی بانک‌ها در قالب قرض‌الحسنه اثرگذارند، به‌طوری که با افزایش تولید ناخالص داخلی و نرخ سود تسهیلات بانکی، سهم تسهیلات قرض‌الحسنه از کل تسهیلات اعطایی کاهش می‌یابد و نرخ ازدواج بر تسهیلات قرض‌الحسنه اثر مثبت داشته است. مکیان و الراجی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تأثیر تسهیلات قرض‌الحسنه بر اشتغال در اقتصاد ایران» عنوان کردند تسهیلات قرض‌الحسنه، تولید ناخالص داخلی، سرمایه فیزیکی و بهره‌وری نیروی کار تأثیر مثبت و معنی‌داری بر اشتغال دارد. حسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان «قرض‌دهی شخص به شخص، الگویی جهت مدیریت منابع قرض‌الحسنه»، ابتدا مدل خود را از دید فقهی تحلیل کرده و در پایان، مدل عملیاتی وام‌دهی شخص به شخص مبتنی بر قرض‌الحسنه را ارائه کرده‌اند. دلای‌اصفهان‌ی و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «تحلیل تطبیقی تأثیرات اقتصادی

1. Shui & Wan

سیستم بانکداری متعارف و نهاد قرض‌الحسنه»، عنوان کردند که قرض‌الحسنه پیش‌نیاز ضروری و یک مکمل اساسی جهت دست‌یابی به جامعه عاری از آثار سوء نظام ربوی است. جعفری و شاه‌آبادی (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «تأثیر امنیت اقتصادی بر سپرده‌های قرض‌الحسنه بانک‌های دولتی و خصوصی ایران» نشان دادند امنیت اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری بر سپرده‌های قرض‌الحسنه دارد. همچنین، متغیرهای دیگری مانند حجم نقدینگی، تسهیلات قرض‌الحسنه و پس‌انداز تأثیر مثبت و معناداری بر سپرده‌های قرض‌الحسنه دارند و سود سپرده‌های بانکی تأثیر منفی و معناداری بر سپرده‌های قرض‌الحسنه دارد. توحیدی‌نیا و فولادگر (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «آسیب‌شناسی سپرده‌های قرض‌الحسنه در نظام بانکداری بدون ربای ایران» اذعان نمودند خلاهای قانونی، وجود تورم و پایین بودن سطح درآمد مردم، علل پیشران کاهش سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه و رقابت بانک‌ها برای افزایش سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری و نبود اراده جدی برای گسترش قرض‌الحسنه از طرف مدیران بانکی نیز عوامل سیاستی مربوط به این مسئله می‌باشند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس مبانی فلسفی پژوهش، پارادایم تفسیری، ماهیت آن اکتشافی-توصیفی و از نظر هدف، از نوع کاربردی می‌باشد. در این پژوهش از روش کیفی با رویکرد تحلیل مضمون استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش خبرگان علمی (شامل اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی کشور و پژوهشگران در حوزه بانکی با تالیفات علمی و پژوهشی مرتبط با موضوع پژوهش و شورای پژوهشی و پژوهشگران مرکز پژوهش‌های مجلس و پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی) و خبرگان اجرایی-مدیریتی (شامل مدیران عالی، میانی و عملیاتی بانک‌های قرض‌الحسنه شامل مدیران عامل، اعضای هیات مدیره، معاونین مدیر عامل، مدیران ادارات کل و مدیران استان‌ها و همچنین مدیران بانک مرکزی و معاونت‌های مرتبط در وزارت امور اقتصادی و دارایی و نمایندگان فعلی و ادوار کمیسیون اقتصادی مجلس) می‌باشند. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی متون بوده است. نمونه آماری با روش نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند (نمونه‌گیری قضاوتی) انتخاب گردید و مصاحبه با ۱۵ نفر از خبرگان تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون و نرم‌افزار MAXQDA20 استفاده شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات در روش تحلیل مضمون مبتنی بر فرآیند کدگذاری است. مضمون بیانگر مفهوم الگوی موجود در داده‌ها و مرتبط با سؤالات پژوهش است. این روش، فرآیندی برای تحلیل داده‌های متنی است که داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (براون و

کلارک^۱، ۲۰۰۶). شبکه مضامین بر اساس یک رویه مشخص، طی چهار مرحله «دیدن متن»، «برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط»، «تحلیل اطلاعات کیفی» و نهایتاً «مشاهده نظاممند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ» مضامین زیر را نظاممند می‌کند:

- مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی موجود در متن)
 - مضامین سازمان‌دهنده (مقولات به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه)
 - مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به عنوان یک کل)
- سپس این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه وب رسم می‌شوند که در آن مضامین برجسته هر یک از سه سطح فوق، همراه با روابط میان آن‌ها نشان داده می‌شود (عابدی‌جعفری و همکاران، ۱۳۹۰).

پژوهشگران کیفی به جهت افزایش اعتبار پژوهش خود، باید حداقل از دو راهبرد زیر بهره بگیرند:

الف) یادداشت‌برداری مفصل و دقیق

ب) کدگذاری ناشناس به کمک کدگذاری که از تیم پژوهش نیست (کرسول^۲، ۲۰۰۳). در پژوهش حاضر برای نیل به این هدف، اقدامات ذیل صورت گرفته است:

تطبیق اعضاء: نظرات دو نفر از اساتید حوزه خط‌مشی‌گذاری پولی و بانکی و دو نفر از دانشجویان دکتری رشته مدیریت دولتی (حوزه پولی و بانکی) درباره گزارش، فرآیند و داده‌های پژوهش دریافت شد و عناوین تعدادی از مفاهیم مطابق نظرات اصلاحی ایشان مورد بازبینی قرار گرفت.

درگیری طولانی‌مدت با موضوع پژوهش: به دلیل جذابیت موضوع پژوهش و کنکاش دقیق پژوهشگر در مفاهیم مورد بحث، فرآیند بررسی متون زمان نسبتاً زیادی به طول انجامید.

کثرت‌گرایی: به منظور ایجاد تنوع در متون مورد بررسی، تلاش شده است تا همه انواع داده‌های متنی از جمله کتب، مقالات، طرح‌ها و تحلیل‌های منتشرشده در پایگاه‌های اطلاعاتی گوناگون مورد تحلیل قرار گیرند.

یافته‌های پژوهش

در این مطالعه، با استفاده از رویکرد تحلیل مضمون مضامین مربوط به راهبردهای اجرای خط‌مشی‌های اعتباری در بانک‌های قرض‌الحسنه کشور استخراج گردید. در این بخش ابتدا ویژگی‌های جمعیت‌شناختی خبرگان حاضر در این مطالعه در جدول ۱ ارائه شده است.

1. Braun and Clarke
2. Creswell

جدول ۱. توزیع فراوانی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی خبرگان

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی	تعداد فراوانی	درصد فراوانی
نوع خبرگان	علمی	۴۷٪
	اجرایی - مدیریتی	۵۳٪
جنسیت	مرد	۱۰۰٪
	زن	۰٪
سن	کمتر از ۳۵ سال	۷٪
	۳۵ تا ۴۵ سال	۶۰٪
	بیشتر از ۴۵ سال	۳۳٪
تحصیلات	کارشناسی ارشد	۲۶٪
	دکتری تخصصی	۷۴٪
سابقه کاری	کمتر از ۱۰ سال	۷٪
	۱۰ تا ۲۰ سال	۶۰٪
	بیشتر از ۲۰ سال	۳۳٪
کل		۱۰۰٪

منبع: یافته‌های پژوهش

در گام نخست، برای آشنایی با داده‌ها، کلیه داده‌های متنی در خصوص راهبردهای اجرای خط‌مشی‌های اعتباری بازخوانی شد. پس از بازخوانی‌های مکرر؛ در گام دوم ۴۵۱ کد باز استخراج شد و در گام بعدی مضامین پایه از تحلیل و ترکیب جملات یادداشت‌گذاری شده بروز و ظهور یافتند. پس از آن و در گام چهارم با توجه به شکل‌گیری ۱۱۳ مضمون پایه، ۱۵ مضمون سازمان‌دهنده تعیین گردید. در گام پنجم نیز با توجه به مضامین سازمان‌دهنده و همچنین ذهنیت شکل گرفته پژوهشگر در طول پژوهش، تعداد ۳ مضمون فراگیر مشخص شد. عناوین مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر استخراج شده در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. عناوین مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر استخراج شده

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
راهنمادهای قانونی	اصلاح و به‌روزرسانی قوانین و مقررات پولی و بانکی	اصلاح قوانین و مقررات پولی و بانکی - تخصصی‌شدن بانک‌ها - تدوین قوانین اختصاصی برای بانک‌های قرض‌الحسنه - تدوین قوانین و مقررات مبتنی بر مقتضیات زمان - افزایش سازگاری قوانین و مقررات پولی و بانکی با بانکداری قرض‌الحسنه - اصلاح و به‌روزرسانی اساسنامه بانک‌های قرض‌الحسنه - افزایش روش‌های سپرده‌پذیری قرض‌الحسنه با پیوند آن با سایر عقود اسلامی - اصلاح رابطه حقوقی جذب سپرده‌های قرض‌الحسنه مبتنی بر انتقال مالکیت به عقد وکالت و امانت - حذف دریافت کارمزد از وام قرض‌الحسنه
	تدوین خط‌مشی‌ها مبتنی بر اصول و روش علمی	تدوین خط‌مشی‌ها و قوانین مبتنی بر اصول علمی - خط‌مشی‌گذاری مشارکتی (خط‌مشی‌گذاری باز) - همکاری و تعامل بین دست‌اندرکاران فرآیند خط‌مشی‌گذاری
	حمایت و پشتیبانی قانونی و معنوی در سطح کلان از ماموریت بانک	تغییر بنیادین نگرش نهادهای بالادستی نسبت به قرض‌الحسنه - حمایت حقوقی و قانونی - کاهش نرخ ذخیره قانونی بانک‌های قرض‌الحسنه - افزایش حد مجاز رشد ترازنامه بانک‌های قرض‌الحسنه - حمایت معنوی در سطح ملی از رسالت بانک - نقش حمایتی دولت و نهادهای اقتصادی دولت - تخصیص بودجه در قانون بودجه به این حوزه - حذف تسهیلات تکلیفی بانک‌های قرض‌الحسنه
راهنمادهای اجرایی	ظرفیت‌سازی	ظرفیت‌سازی و توسعه و گسترش ظرفیت‌ها - استراتژی مزیت‌یابی و مزیت‌سازی - توسعه بازار بانکداری قرض‌الحسنه و رشد سهم بانک در این بازار - تنوع شیوه‌های تأمین مالی قرض‌الحسنه - ورود به حوزه‌های

تخصصی بازار سرمایه و بازار غیرمتشکل پولی - اعمال ظرفیت آینده‌نگری - بهبود و توسعه منابع - ارزیابی و تجزیه و تحلیل محیط - بازاریابی - استفاده از تکنیک‌های تبلیغات موثر - اطلاع‌رسانی مناسب		
بسترسازی فرهنگی - آگاهی‌بخشی و آموزش مردم - تبلیغ و ترویج قرض‌الحسنه - فرهنگ‌سازی قرض‌الحسنه - استفاده از سفیران تبلیغ و تبیین - اصلاح و تغییر نگرش مردم نسبت به قرض‌الحسنه - تبیین مزایای بانکداری قرض‌الحسنه - استفاده از ظرفیت رسانه‌های رسمی و شبکه‌های اجتماعی - ترویج سبک زندگی مبتنی بر قرض‌الحسنه - نهادینه‌سازی جایگاه قرض‌الحسنه - تبدیل بانک قرض‌الحسنه به عنوان مرجعیت علمی قرض‌الحسنه در جهان	ترویج فرهنگ قرض‌الحسنه	
طراحی ابزارهای اجرای خط‌مشی اعتباری - ابزارسازی جهت خط‌مشی‌گذاری پولی کارا و مبتنی بر اصول شریعت - تنوع‌بخشی به ابزارهای اجرای خط‌مشی‌های اعتباری - تولید محصولات و خدمات نوین اعتباری بر پایه قرض‌الحسنه - گردآوری مستمر اطلاعات و افکارسنجی و پایش ایده - تحلیل و نظارت بر عملیات اعتباری با پشتیبانی اطلاعاتی مناسب - نوآوری‌گرایی	گسترش و تنوع ابزارهای اجرای خط‌مشی‌های اعتباری	
اجرای اصول حاکمیت شرکتی - مدیریت تضاد منافع - مسئولیت‌پذیری نسبت به ذینفعان - خلق ارزش برای ذینفعان - ارتباطات و تعامل موثر میان ذینفعان - پاسخگویی نسبت به ذینفعان - اعتمادسازی میان ذینفعان - افشاء و گزارش‌دهی - شفافیت	کاربست حاکمیت شرکتی	
آموزش و توسعه سرمایه انسانی - توانمندسازی سرمایه انسانی - مشارکت مجریان - ایجاد انگیزه در مجریان - شایسته‌سالاری - توسعه ظرفیت‌های آموزشی	توسعه و توانمندسازی مجریان	

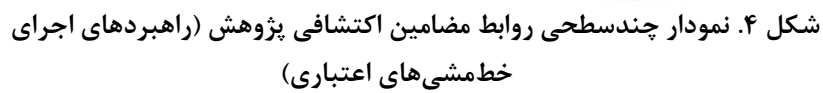
مدیریت جامعه هدف	شناخت و بخش‌بندی بازار - انتخاب بازار هدف - مکان‌یابی صحیح و توزیع بهینه تسهیلات - شناسایی و خلق ارزش - فرهنگ‌سازی جامعه هدف - همسوسازی افکار عمومی - مشارکت جامعه هدف - تاکید بر بازار بانکداری خرد
مشتری‌محوری	شناسایی و توجه به نیازها، ترجیحات، خواسته‌ها و انتظارات مشتریان - مدیریت نیازهای مشتریان - مدیریت ارتباط با مشتری و مدیریت تجربه مشتری - تأمین تجربه پیشرفته مشتری - دریافت بازخورد - تغییر نوع نگرش به مشتری - بهبود کیفیت ارائه خدمات - تسهیل در شرایط اعطای اعتبار - تسهیل در شرایط دریافت تضامین و وثایق - ارائه خدمات آنلاین مبتنی بر فناوری اطلاعات نوین و هوشمند
شناخت رقبا و افزایش توان رقابت	شناخت و پایش رقبا - پیش‌بینی رفتار رقبا - تدوین استراتژی‌های رقابتی - الگوبرداری از رقبا
تثبیت جایگاه بانک در نظام پولی کشور	جایگاه‌یابی - ارتقاء برند بانک - هم‌افزایی برای افزایش بهره‌مندی از ظرفیت‌های قرض‌الحسنه در شبکه بانکی
اصلاح و تقویت نظام کنترل داخلی	به‌کارگیری اصول و استانداردهای کنترل داخلی - پایبندی به خط‌مشی‌های رعایت قوانین و مقررات (تطبیق) - رعایت اصول نقدینگی، منفعت، امنیت و نظارت - تجزیه و تحلیل شاخص‌های اعتباری - محیط کنترلی - کنترل و نظارت هوشمند در بستر فناوری اطلاعات - بهداشت اعتباری - ظرفیت‌سنجی و اعتبارسنجی - مدیریت تسهیلات غیرجاری و در معرض نکول - تدوین اصولی برنامه عملیاتی - تطبیق‌پذیری حداکثری خط‌مشی‌ها، ابزارها و اجرای آن با شریعت - به‌کارگیری ناظر شرعی (هیأت یا کمیته نظارت شرعی) - رفع شبهه ربا و سایر شبهات شرعی موجود در عملیات اعتباری بانک - اطلاع‌رسانی مفاد مهم قرارداد وام به

راهنمای
کنترلی

مشتریان - حذف کارمزد ثابت و عدم تخصیص کارمزد به مانده وام - رفع مسئله جریمه تاخیر تادیه (وجه التزام)		
جمع‌آوری اطلاعات، گزارش‌دهی و افشای ریسک - شناسایی، محاسبه، نظارت و کنترل انواع ریسک‌های بانکی (شامل ریسک بازار، ریسک اعتباری، ریسک بازدهی تسهیلات، ریسک نقدینگی، ریسک عملیاتی، ریسک شهرت، ریسک حقوقی، ریسک تطبیق و ریسک شریعت) - افزایش ظرفیت ریسک و ریسک‌پذیری - مدیریت ریسک	مدیریت جامع ریسک‌های صنعت بانکداری	
تعریف دقیق شاخص‌های ارزیابی اجرای خط‌مشی‌های اعتباری - ارزیابی مستمر خط‌مشی‌های اعتباری - اصلاح خط‌مشی‌های اعتباری - ارزیابی یکپارچه	کاربست نتایج ارزیابی اجرای خط‌مشی‌های اعتباری	

منبع: یافته‌های پژوهش

شکل ۴ نمودار چندسطحی روابط مضامین اکتشافی پژوهش حاضر (۱۵ مضمون سازمان‌دهنده و ۳ مضمون فراگیر) را نشان می‌دهد. به بیان دیگر، راهبردهای اجرای خط‌مشی‌های اعتباری در نمودار زیر گزارش شده است.



بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

از آنجایی که بانک‌های قرض‌الحسنه پدیده‌ای نوآورانه و جدید در بازار پولی کشور هستند، حمایت سطح کلان از این بانک‌ها نقش مهمی در تقویت آنها جهت دستیابی به مأموریت خود و گسترش بانکداری اسلامی و قرض‌الحسنه در جامعه در پی خواهد داشت. این حمایت‌ها می‌تواند از سوی دولت، بانک مرکزی و نهادهای عمومی خصوصاً در زمینه اصلاح قوانین حاکم بر نظام بانکی صورت پذیرد. سیاست‌ها و خطمشی‌های کلان بانک مرکزی و تکالیف قانونی بانک‌ها که اساساً سند خطمشی‌های اعتباری بانک‌ها نیز مبتنی بر آن تدوین می‌گردد از عوامل مهم تاثیرگذار بر اجرای خطمشی‌های اعتباری می‌باشند. لذا پژوهش حاضر به نهادهای دخیل در فرآیند خطمشی‌گذاری در حوزه پولی و بانکی بر اساس یافته‌های تحقیق پیشنهاد می‌نماید که ضمن تغییر بنیادین نگرش خود نسبت به ظرفیت قرض‌الحسنه، خطمشی‌ها، قوانین و دستورالعمل‌های پولی و بانکی را اصلاح و به‌روزرسانی نموده و مبتنی بر اصول و روش‌های علمی خطمشی‌گذاری و در بستر خطمشی‌گذاری باز، زمینه مشارکت نخبگان، مجریان و سایر ذینفعان را نیز فراهم نمایند. از آنجایی که بخش اعظم قوانین، مقررات و دستورالعمل‌های پولی و بانکی کشور مطابق با عملیات بانکداری تجاری می‌باشد، فقدان یک نگاه تخصصی و جامع در سطوح بالایی سیاست‌گذاری پولی و اعتباری در خصوص بانک‌های قرض‌الحسنه کاملاً مشهود بوده و تدوین خطمشی‌ها و قوانین بانکداری مطابق با ماهیت و نیازهای بانکداری قرض‌الحسنه بسیار ضروری است. اجرای خطمشی‌های اعتباری در بانک‌های قرض‌الحسنه که بانک‌هایی تخصصی در این حوزه هستند نیازمند تدوین قوانین اختصاصی و تسهیل‌گر برای این بانک‌ها می‌باشد و در این راستا اصلاح و به‌روزرسانی قوانین مربوط به بانکداری قرض‌الحسنه و بالاختص بانک‌های قرض‌الحسنه و سازگاری و انطباق آن با نیازهای جامعه در این نوع بانکداری می‌تواند در تقویت نقش این بانک‌ها در نظام مالی کشور موثر باشد. همچنین گسترش سبد خدماتی و اعتباری بانک و تنوع در روش‌های سپرده‌پذیری قرض‌الحسنه از طریق پیوند آن با سایر عقود شرعی از جمله وکالت، امانت، وقف، صلح، هبه و غیره نیز موثر خواهد بود.

از طرف دیگر به بانک‌های قرض‌الحسنه نیز پیشنهاد می‌گردد با تاکید بر بازار بانکداری خرد علاوه بر گسترش تنوع در شیوه‌های تأمین مالی قرض‌الحسنه با نگاهی به بخش‌های مختلف اقتصادی و هماهنگ با بازارهای هدف، محصولات و خدمات نوین اعتباری بر پایه قرض‌الحسنه را توسعه دهند. ترویج فرهنگ قرض‌الحسنه از طریق آگاهی‌بخشی، اطلاع‌رسانی و آموزش در جهت ترقیب مردم به این نوع از بانکداری به‌عنوان یک مأموریت اجتماعی برای بانک‌های قرض‌الحسنه حائز اهمیت است. فرصت‌های بسیاری در نظام اقتصادی وجود دارد که با شناسایی آن‌ها می‌توان از ظرفیت‌های بدیع و جذاب بانک‌های قرض‌الحسنه و گسترش تنوع در شیوه‌های تأمین مالی در این بخش، علاوه بر توسعه

منابع و رشد سهم بانک در بازار پولی کشور به مأموریت و سایر اهداف بانک‌های قرض‌الحسنه نیز دست یافت. نقش مجریان و یا بروکرات‌های سطح خیابان در تفسیر، اجرا و ارزیابی خط‌مشی‌های اعتباری و به‌عنوان حلقه اتصال میان خط‌مشی‌گذاران و ذینفعان خط‌مشی نیز مهم است. توانمندسازی و آموزش مجریان با تاکید بر بهبود دانش، آگاهی، مهارت‌ها و نگرش‌های آن‌ها بر افزایش کیفیت و موفقیت اجرای خط‌مشی‌های اعتباری تاثیرگذار است.

شناسایی نیازهای مشتریان و پاسخ سریع در جهت تامین انتظارات آنها با کیفیت مطلوب موجب بهبود تجربه مشتری در دریافت خدمات اعتباری از بانک خواهد شد. لذا تسهیل در فرآیند اعطای اعتبار و خصوصاً پرداخت وام مبتنی بر اعتبارمحوری متقاضی به‌جای ضامن‌محوری و وثیقه‌محوری، علاوه بر تامین رضایت و خلق یک تجربه منحصر به فرد برای مشتریان موجب ارتقای کارایی اجرای خط‌مشی‌های اعتباری خواهد شد. در این راستا توسعه و بهبود زیرساخت‌های فناورانه و ارائه غیرحضوری خدمات اعتباری در بستر بانکداری دیجیتال و هوشمند با بهره‌گیری از ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی و API های باز، فین‌تک‌ها، بلاکچین، متاورس، سوپر اپلیکیشن‌ها و نتوبانک‌ها ضمن تسهیل در توسعه اکوسیستم قرض‌الحسنه، موجب ارتقا کیفیت ارائه خدمات اعتباری و تجربه مشتری خواهد شد. علی‌رغم اینکه می‌بایست تسهیل‌گری را به‌عنوان یک اصل مهم در فرآیند تخصیص اعتبار در بانک‌های قرض‌الحسنه به آن پایبند بود، با این حال از این مهم نیز نباید غافل شد که فرآیند اعطای تسهیلات مستلزم پیاده‌سازی و به‌کارگیری نظام کنترل داخلی به‌منظور پیشگیری، شناسایی و کنترل ریسک‌های بانک می‌باشد و ضمن رعایت استانداردهای قانونی و شرعی، نظارت دقیق و مستمر بر فرآیند اعطای وام و رعایت بهداشت اعتباری نیز ضروری است. بانک‌ها به‌دلیل فعالیت در بازار پیچیده و چندوجهی پولی و مالی با انواع ریسک‌ها خصوصاً در بخش تخصیص منابع مواجه هستند که عدم توجه به آنها می‌تواند خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به آن‌ها وارد نماید. پیشگیری، شناسایی و کنترل این ریسک‌ها نه‌تنها برای حفظ سلامت شاخص‌های بانک بلکه برای جلوگیری از بحران‌ها ضروری است. در این راستا، پایبندی به اصول و اجرای حاکمیت شرکتی، ضمن ارتقاء شفافیت در اجرای خط‌مشی‌های اعتباری موجب مدیریت موثر و کاهش ریسک نیز خواهد شد. بانک‌ها به‌منظور دستیابی به اهداف راهبردی خود همچون افزایش منابع و تخصیص بهینه آن از طریق تعیین سبد خدمات و طرح‌های اعتباری، به تدوین و اجرای خط‌مشی اعتباری می‌پردازند. در این راستا تنوع در طرح‌های اعتباری با نگاهی به بخش‌های مختلف اقتصادی و هماهنگ با بازارهای هدف و از طرفی دیگر تعادل در ساختار سبد اعتباری بانک از حیث کمیت و کیفیت اعطای اعتبار به مشتریان موجب واکنش به‌موقع به ریسک‌های محیطی و امنیت و ثبات مالی بانک خواهد شد.

عدم شناسایی و تعیین صحیح بازارهای هدف نه‌تنها منشا مشکلاتی برای دستیابی به اهداف بانک است بلکه موجب تضعیف بهره‌برداری از فرصت‌های موجود در بازار رقابتی خواهد شد. شناسایی دقیق بخش‌هایی از بازار و سایر عرصه‌ها که خط‌مشی‌های اعتباری و به‌ویژه طرح‌های اعتباری بانک‌های قرض‌الحسنه مطابق با نیازهای آنها است می‌تواند دستیابی به مأموریت و اهداف بانک را تسهیل و تضمین نماید. بانک‌های قرض‌الحسنه از ظرفیت‌های بسیاری در زمینه تامین منابع مالی بخش‌های مختلف اقتصادی برخوردارند و قادرند با ارائه طرح‌های نوین اعتباری قرض‌الحسنه برای بخش‌های مختلف خصوصاً در زمینه تولید نقش ویژه‌ای را در عرصه اقتصادی ایفا نمایند.

بانک‌ها دائماً برای افزایش سهم خود از منابع بازار پولی کشور با یکدیگر در رقابت هستند و آن‌هایی که بتوانند در تغییرات سریع محیط اقتصادی نیازهای متنوع مشتریان را به‌خوبی درک کرده و با نوآوری در ارائه خدمات به این نیازها سریع‌تر پاسخ بدهند موفق خواهند بود. لذا بانک‌های قرض‌الحسنه با شناخت محیط رقابتی و تحلیل مستمر و دقیق رفتار رقبا و با برجسته کردن نقاط قوت و مزیت‌های رقابتی خود قادر خواهند بود با آگاهی‌رسانی جنبه‌های منحصر به فرد خود به جامعه، ضمن ارتقا برند و تثبیت و تقویت جایگاه خود در بازار پولی و بانکی به بازیگری کلیدی در بازار مالی کشور مبدل گردند.

گسترده‌گی، چندوجهی بودن و پیچیدگی موضوع پژوهش از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌باشد. زمینه موضوع پژوهش حاضر فرابخشی بوده و مستلزم مطالعه گسترده در چندین حوزه متفاوت از قبیل مدیریت، اقتصاد، حقوق، فقه، مالی و بانکی می‌باشد. این محدودیت، فرآیند پژوهش را پیچیده و دشوار ساخت. همچنین علی‌رغم تفکر عمیق پژوهشگر در مورد محتوا و نیز بهره‌مندی از نظرات صاحب‌نظران، حجم بالا و درهم‌تنیدگی داده‌ها تحلیل، طبقه‌بندی و ادغام آنها را پیچیده و دشوار نمود و ممکن است یافته‌های پژوهش تحت تاثیر دیدگاه، تفسیر و تجربه پژوهشگر باشد. راهبردهای به‌دست آمده در پژوهش حاضر در حوزه بانک‌های قرض‌الحسنه کشور است و به‌طور کامل قابل تعمیم به سایر بانک‌ها در شبکه بانکی کشور نیست. لذا در پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌گردد اجرای خط‌مشی‌های اعتباری در سایر انواع بانک‌های داخل و خارج کشور نیز مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد و یافته‌های آن‌ها با پژوهش حاضر مقایسه گردد.

در یک نگاه کلی خط‌مشی اعتباری یک بانک مبتنی بر خط‌مشی‌ها و راهبردهای کلان بانک و در راستای مهم‌ترین مأموریت خود یعنی تخصیص منابع، به چگونگی اعطای تسهیلات و اعتبار در فرآیند قبل، حین و بعد از تخصیص اعتبار می‌پردازد و هدف نهایی آن نیز نیل به شاخص‌ها و نسبت‌های مالی بهینه و سالم و منافع ذینفعان می‌باشد. در بانک‌های قرض‌الحسنه به‌عنوان بانکی اجتماعی، علاوه بر شاخص‌های کلان مالی و سودآوری، تحقق رسالت اجتماعی آنها یعنی افزایش

دسترسی‌پذیری عمومی به وام‌های قرض‌الحسنه، پایبندی به اصول بانکداری مبتنی بر شرع اسلام و گسترش قرض‌الحسنه نیز حائز اهمیت است. در این بانک‌ها به‌عنوان بانک‌هایی تخصصی که نقش متمایزی را در نظام پولی کشور به‌عهده دارند، ارزش‌ها و مطالبات ذینفعان در اجرای خط‌مشی‌های اعتباری عاملی تاثیرگذار است و از آنجایی که عقد قرض، مبتنی بر اصول شریعت و موازین فقهی اسلام از خصوصیات ویژه‌ای برخوردار است، اجرای خط‌مشی‌های اعتباری نیز با بهره‌گیری از ظرفیت‌های قرض‌الحسنه، در بستر مدل خاص کسب و کار این بانک‌ها در بازار پول تحقق خواهد یافت. اجرای موثر خط‌مشی‌های اعتباری، ضمن گسترش شمولیت مالی بانک موجب توسعه اکوسیستم قرض‌الحسنه در شبکه بانکی نیز خواهد شد. این مهم علاوه بر ضرورت شناخت جامع و فهم صحیح قرض‌الحسنه، مستلزم اصلاحات اساسی در فرآیند خط‌مشی‌گذاری اعتباری در لایه‌های مختلف حکمرانی اقتصادی می‌باشد.

یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های برخی پژوهش‌ها هم‌راستا می‌باشد (هم خوانی دارد)؛ در مطالعه کوالوا و ایورگاچوا (۲۰۲۱) سواد مالی، شمول مالی و اعتماد مصرف‌کننده به خدمات مالی، پشتیبانی قانونی و نظارتی جاری از فعالیت‌های وام‌دهی بانک، چشم‌انداز توسعه پایگاه مشتری و تعادل سبد اعتباری بانک از عوامل مؤثر در شکل‌گیری خط‌مشی اعتباری بانک عنوان شده است. لستر و بومن^۱ (۱۹۸۹) معتقدند در صورتی که ظرفیت و تعهد اجرا در حد بالا باشد، اجرا به سرعت و سهولت پیشرفت می‌کند. گوگین^۲ (۱۹۸۶) بازخور و طراحی مجدد خط‌مشی را از متغیرهای میانی مؤثر بر اجرا می‌دانند. سیدنورانی و همکاران (۱۳۹۶) بر برخی نکات در امر نظارت از قبیل شناسایی کامل متقاضی تسهیلات از لحاظ اهلیت و شاخص‌های مالی، بهره‌گیری از کلیه ابزارهای نظارتی در جهت نظارت کامل در مراحل مختلف پرداخت و مصرف تسهیلات و اخذ تضامین و وثایق محکم و مطمئن متناسب با ظرفیت و وضعیت مالی مشتری تاکید نمودند. روحانی و عزیزاده‌قره‌باغ (۱۳۹۴) پیشنهاد نمودند حمایت قانونی از توسعه فعالیت بانک‌های قرض‌الحسنه به‌منظور سامان‌دهی و افزایش کارایی بازار پول در کشور ضروری است. بنی‌طبا و همکاران (۱۳۹۴) پیشنهاد کردند در اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا همه سپرده‌های قرض‌الحسنه (اعم از جاری و پس‌انداز) صرفاً براساس عقد وکالت و مشروط بر آن‌که براساس سیاست‌های بانک مرکزی مورد استفاده قرار بگیرد تجهیز شوند. استاندارهای هیئت‌خدمات مالی اسلامی^۳ و سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی^۴، به‌عنوان مهم‌ترین منابع مرجع، برای تطبیق عملیات مالی با احکام شریعت اسلام شناخته

1. Lester & Bowman

2. Goggin

3. Islamic Financial Services Board (IFSB)

4. Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions (AAOIFI)

می‌شوند. یافته‌های پژوهش حاضر با برخی از استانداردهای هیئت‌خدمات مالی اسلامی شامل مدیریت ریسک، حاکمیت شرکتی، افشای اطلاعات برای بهبود شفافیت و نظم بازار، مدیریت کسب‌وکار، سیستم‌های نظارت شرعی و قانون‌گذاری مالی اسلامی هم‌راستا بوده است و همچنین، با تعدادی از استانداردهای سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی از جمله استانداردهای شرعی (نکول در بازپرداخت بدهی، تضامین، مدیریت نقدینگی و کاربرد شریعت در محصولات و خدمات بانکداری)، استانداردهای حسابرسی (انطباق با اصول و قواعد شریعت)، استانداردهای راهبری (بررسی شرعی داخلی، مسئولیت اجتماعی شرکتی)، و اصول اخلاقی (ضوابط اخلاقی کارکنان) نیز هم‌راستا هستند.

هدف از پژوهش حاضر شناسایی راهبردهای اجرای خط‌مشی‌های اعتباری در بانک‌های قرض‌الحسنه کشور می‌باشد که بر اساس یافته‌های پژوهش س مضمون فراگیر راهبردهای قانونی (شامل ۳ مضمون سازمان‌دهنده اصلاح و بروزرسانی قوانین و مقررات پولی و بانکی، تدوین خط‌مشی‌ها مبتنی بر اصول و روش علمی، حمایت و پشتیبانی قانونی و معنوی در سطح کلان از مأموریت بانک)، راهبردهای اجرایی (شامل ۹ مضمون سازمان‌دهنده ظرفیت‌سازی، ترویج فرهنگ قرض‌الحسنه، گسترش و تنوع ابزارهای اجرای خط‌مشی‌های اعتباری، کاربست حاکمیت شرکتی، توسعه و توانمندسازی مجریان، مدیریت جامعه هدف، مشتری‌محوری، شناخت رقبا و افزایش توان رقابت، تثبیت جایگاه بانک در نظام پولی کشور) و راهبردهای کنترلی (شامل ۳ مضمون سازمان‌دهنده اصلاح و تقویت نظام کنترل داخلی، مدیریت جامع ریسک‌های صنعت بانکداری و کاربست نتایج ارزیابی اجرای خط‌مشی‌های اعتباری) شناسایی شدند.

مبتنی بر مطالعات صورت گرفته و یافته‌های پژوهش، پیشنهاد‌های سیاستی در دو بخش سطح کلان و بالادستی و سطح بانک‌های قرض‌الحسنه به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

- از آنجایی که بخش اعظم قوانین، مقررات و دستورالعمل‌های پولی و بانکی کشور مطابق با عملیات بانکداری تجاری می‌باشد، فقدان یک نگاه تخصصی و جامع در سطوح بالایی سیاست‌گذاری پولی و اعتباری در خصوص بانک‌های قرض‌الحسنه کاملاً مشهود بوده و تدوین خط‌مشی‌ها و قوانین بانکداری مطابق با ماهیت و نیازهای به‌روز بانکداری قرض‌الحسنه بسیار ضروری است. اجرای خط‌مشی‌های اعتباری در بانک‌های قرض‌الحسنه که بانک‌هایی تخصصی در این حوزه هستند نیازمند تدوین قوانین اختصاصی و تسهیل‌گر برای این بانک‌ها می‌باشد و در این راستا بازنگری و اصلاح قوانین مربوط به بانکداری قرض‌الحسنه و بالاخص بانک‌های قرض‌الحسنه و سازگاری و انطباق آن با نیازهای جامعه در این نوع بانکداری می‌تواند در تقویت نقش این بانک‌ها در نظام مالی کشور موثر باشد.

- پیشنهاد می‌گردد سبد خدماتی و اعتباری بانک (در هر دو بخش ریالی و ارزی) و روش‌های سپرده‌پذیری قرض‌الحسنه از طریق پیوند آن با سایر عقود شرعی از جمله وکالت، امانت، وقف، صلح، هبه و غیره گسترش یابد.
- سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلان بانک مرکزی و تکالیف قانونی بانک‌ها که اساساً سند خط‌مشی‌های اعتباری بانک‌ها نیز مبتنی بر آن تدوین می‌گردد از عوامل مهم تاثیرگذار بر اجرای خط‌مشی‌های اعتباری می‌باشند. پژوهش حاضر به نهادهای دخیل در فرآیند خط‌مشی‌گذاری در حوزه پولی و بانکی پیشنهاد می‌نماید که ضمن تغییر بنیادین نگرش خود نسبت به ظرفیت قرض‌الحسنه در اقتصاد کشور، خط‌مشی‌ها، قوانین و دستورالعمل‌های پولی و بانکی را مبتنی بر اصول و روش‌های علمی خط‌مشی‌گذاری و در بستر خط‌مشی‌گذاری باز تدوین نمایند و زمینه مشارکت نخبگان، مجریان و سایر ذینفعان را نیز فراهم نمایند.
- بانک‌های قرض‌الحسنه پدیده‌ای نوآورانه و جدید در بازار پولی کشور هستند، و حمایت سطح کلان از این بانک‌ها نقش مهمی در تقویت آنها جهت دستیابی به مأموریت خود و گسترش بانکداری اسلامی و قرض‌الحسنه در جامعه در پی خواهد داشت. این حمایت‌ها می‌تواند از سوی دولت، و بانک مرکزی در قالب تخصیص بودجه، خطوط اعتباری حمایتی، ساماندهی تسهیلات تکلیفی، کاهش نرخ ذخیره قانونی، افزایش سقف کنترل مقداری ترازنامه، افزایش سقف وام و سایر حمایت‌های قانونی و مالی صورت پذیرد.
- از طرف دیگر به بانک‌های قرض‌الحسنه نیز پیشنهاد می‌گردد با تاکید بر بازار بانکداری خرد علاوه بر گسترش تنوع در شیوه‌های تأمین مالی قرض‌الحسنه با نگاهی به بخش‌های مختلف اقتصادی و هماهنگ با بازارهای هدف، محصولات و خدمات نوین اعتباری بر پایه قرض‌الحسنه را توسعه دهند و ابزارهای متنوعی را در حوزه‌های دیجیتالی، پرداخت، کارت و وام طراحی نمایند.
- ترویج فرهنگ قرض‌الحسنه از طریق آگاهی‌بخشی، اطلاع‌رسانی و آموزش در جهت ترقیب مردم به این نوع از بانکداری به‌عنوان یک مأموریت اجتماعی برای بانک‌های قرض‌الحسنه حائز اهمیت است. فرصت‌های بسیاری در نظام اقتصادی وجود دارد که با شناسایی آنها می‌توان از ظرفیت‌های بدیع و جذاب بانک‌های قرض‌الحسنه و گسترش تنوع در شیوه‌های تأمین مالی در این بخش، علاوه بر توسعه منابع و رشد سهم بانک در بازار پولی کشور به مأموریت و سایر اهداف بانک‌های قرض‌الحسنه نیز دست یافت.
- شناسایی نیازهای مشتریان و پاسخ سریع در جهت تأمین انتظارات آنها با کیفیت مطلوب موجب بهبود تجربه مشتری در دریافت خدمات اعتباری از بانک خواهد شد. مدیریت خدمات اعتباری

و تسهیل در فرآیند اعطای اعتبار و خصوصاً پرداخت وام مبتنی بر اعتبارمحوری متقاضی به‌جای ضامن‌محوری و وثیقه‌محوری، علاوه بر تامین رضایت و خلق یک تجربه منحصر به فرد برای مشتریان موجب ارتقای کارایی اجرای خط‌مشی‌های اعتباری خواهد شد. در این راستا توسعه و بهبود زیرساخت‌های فناورانه و ارائه غیرحضورى خدمات اعتباری در بستر بانکداری دیجیتال و هوشمند با بهره‌گیری از ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی و API های باز، فین‌تک‌ها، بلاکچین، متاورس، سوپر اپلیکیشن‌ها و نئوبانک‌ها ضمن ارتقا شفافیت و کیفیت ارائه خدمات اعتباری و بهبود تجربه مشتری، موجب تسهیل در توسعه اکوسیستم قرض‌الحسنه نیز خواهد شد.

- شناسایی دقیق بخش‌هایی از بازار و سایر عرصه‌ها که خط‌مشی‌های اعتباری و به‌ویژه محصولات، خدمات و طرح‌های اعتباری بانک‌های قرض‌الحسنه مطابق با نیازهای آنها است و تعیین صحیح و هدف‌گیری بازارهای هدف (در بخش‌های خرد، اصناف و شرکتی) می‌تواند دستیابی به مأموریت و اهداف بانک را تسهیل و تضمین نماید.
- بانک‌های قرض‌الحسنه از ظرفیت‌های بسیاری در زمینه تامین منابع مالی بخش‌های مختلف اقتصادی برخوردارند و قادرند با نوآوری در ارائه طرح‌های نوین اعتباری قرض‌الحسنه برای بخش‌های مولد خصوصاً در زمینه تولید، بنگاه‌های کوچک و متوسط^۱، شرکت‌های دانش‌بنیان^۲ و استارت‌آپ‌ها^۳ نقش ویژه‌ای را در عرصه اقتصادی ایفا نمایند.
- نقش مجریان و یا بروکرات‌های سطح خیابان در تفسیر، اجرا و ارزیابی خط‌مشی‌های اعتباری و به‌عنوان حلقه اتصال میان خط‌مشی‌گذاران و ذینفعان خط‌مشی نیز مهم است. توانمندسازی و آموزش مستمر و کاربردی مجریان با تاکید بر توسعه دانش، آگاهی، مهارت و نگرش آن‌ها (من جمله در زمینه خط‌مشی‌های اعتباری بانک، استانداردهای بین‌المللی، قوانین، مقررات و دستورالعمل‌های بانکی، اصول و مبانی قرض‌الحسنه، مدیریت ریسک و کنترل داخلی، فناوری و ابزارهای نوین بانکی، اخلاق حرفه‌ای، مهارت‌های ارتباط موثر، مشتری‌مداری، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری) بر افزایش کیفیت و موفقیت اجرای خط‌مشی‌های اعتباری اثرگذار است.
- فرآیند اعطای تسهیلات مستلزم پیاده‌سازی و به‌کارگیری نظام کنترل داخلی به‌منظور پیشگیری، شناسایی و کنترل ریسک‌های بانک می‌باشد و ضمن رعایت استانداردهای قانونی و شرعی، نظارت دقیق و مستمر بر فرآیند اعطای وام و رعایت بهداشت اعتباری به‌منظور مدیریت جامع ریسک ضروری است.

1. Small and Medium-sized Enterprises (SME)
2. Knowledge Enterprises
3. Startup

- پابندی به اصول و اجرای صحیح حاکمیت شرکتی، ضمن ارتقاء شفافیت در اجرای خط‌مشی‌های اعتباری موجب مدیریت موثر و کاهش ریسک نیز خواهد شد.
- نظارت و کنترل در زمینه تطبیق با استانداردهای بین‌المللی همچون استانداردهای هیئت‌خدمات مالی اسلامی و سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی موجب تقویت اعتبار قانونی بانک در داخل و خارج از کشور خواهد شد.
- با توجه به اینکه طرح‌های اعتباری بانک‌های قرض‌الحسنه غالباً نوآورانه و بدیع می‌باشد، پیشنهاد می‌گردد فرایند اخذ مجوزهای لازم از نهادهای ذیربط من جمله بانک مرکزی از منظر تطبیق با شرع و قانون در دستور کار قرار گیرد.
- مدیریت و بهینه‌سازی سبد اعتباری و تنوع در طرح‌های اعتباری با نگاهی به بخش‌های مختلف اقتصادی و هماهنگ با بازارهای هدف و از طرفی دیگر تعادل در ساختار سبد اعتباری بانک از حیث کمیت و کیفیت اعطای اعتبار به مشتریان موجب واکنش به موقع به ریسک‌های محیطی و امنیت و ثبات مالی بانک خواهد شد.
- بانک‌های قرض‌الحسنه با شناخت محیط رقابتی و تحلیل مستمر و دقیق رفتار رقبا و با برجسته کردن نقاط قوت و مزیت‌های رقابتی خود قادر خواهند بود با آگاهی‌رسانی جنبه‌های منحصر به فرد خود به جامعه و پاسخ سریع به نیازهای مشتریان، ضمن ارتقا برند و تثبیت و تقویت جایگاه خود در بازار پولی و بانکی به بازیگری کلیدی در بازار مالی کشور مبدل گردند.
- تدوین شاخص‌های کلیدی عملکرد^۱ و پایش و ارزیابی مستمر اجرای خط‌مشی‌های اعتباری و عملکرد اعتباری در داشبرد مدیریتی و نظارت هوشمند بر آن‌ها موجب بهبود مستمر اجرای خط‌مشی‌های اعتباری خواهد شد.

۱. Key Performance Indicator (KPI)

منابع

۱. ابراهیمی، سجاد و جلالی نائینی، سیداحمد رضا (۱۴۰۰). مدیریت رشد نقدینگی و سیاست‌های هدایت اعتبارات به سمت فعالیت‌های مولد اقتصادی (گزارش سیاستی). پژوهشکده پولی و بانکی (بانک مرکزی ج.ا.ا.).
۲. ایروانی، محمدجواد؛ غزالی، امین و غزالی، علی (۱۳۹۱). اولویت‌بندی تسهیلات بانکی مبتنی بر عقود اسلامی با رویکرد سیاست‌گذاری. تحقیقات مالی/اسلامی، ۱(۲): ۱۶۱-۱۹۳.
۳. بنی طباطبائی، سیدمهدی؛ روحانی، سیدعلی؛ عزیزنژاد، صمد (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی نظام بانکی (۱- ساماندهی تجهیز و تخصیص منابع قرض‌الحسنه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (معاونت پژوهش‌های اقتصادی- دفتر مطالعات اقتصادی)، گزارش ۲۲۰ (۱۴۴۵۵).
۴. تارنمای اینترنتی بانک مرکزی ج.ا.ا. (۱۴۰۳). بخش آمار و داده‌ها. <https://www.cbi.ir/section/1378.aspx>
۵. تارنمای اینترنتی بانک قرض‌الحسنه رسالت (۱۴۰۳). بخش آمار و داده‌ها. <https://www.rqbank.ir>
۶. تارنمای اینترنتی بانک قرض‌الحسنه مهر ایران (۱۴۰۳). بخش آمار و داده‌ها. <https://www.qmb.ir>
۷. تارنمای اینترنتی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۳). بخش گزارش‌های کارشناسی. <https://rc.majlis.ir/fa/report>
۸. تشکینی، احمد؛ حیدری، حسن و شفیعی، افسانه (۱۳۹۵). تجزیه و تحلیل آثار سیاست اعتباری بر سرمایه‌گذاری زیربخش‌های اقتصاد ایران. پژوهش‌نامه بازرگانی، ۸۰: ۲۳-۴۴.
۹. توحیدی‌نیا، ابوالقاسم و فولادگر، وحید (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی سپرده‌های قرض‌الحسنه در نظام بانکداری بدون ربای ایران. اقتصاد/اسلامی، ۱۸(۷۰): ۱۵۵-۱۸۵.
۱۰. جعفری، مهدی و شاه‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۹۸). تأثیر امنیت اقتصادی بر سپرده‌های قرض‌الحسنه بانک‌های دولتی و خصوصی ایران. جستارهای اقتصادی/ایران، ۱۶(۳۱): ۹۱-۱۱۰.
۱۱. حسن‌زاده، حسین؛ کریمی، میثم؛ تمیزی‌فر، مهدی و سیمپاری، محمدرضا (۱۳۹۹). قرض‌دهی شخص به شخص، الگویی جهت مدیریت منابع قرض‌الحسنه. اقتصاد/اسلامی، ۲۰(۷۷): ۲۳۹-۲۷۱.
۱۲. خرمی، امیر؛ تقوی‌فرد، محمدتقی و خاتمی‌فیروزآبادی، محمدعلی (۱۳۹۹). ارزیابی ریسک اعتباری متقاضیان تسهیلات بانکی به‌روش استدلال مبتنی بر مورد (CBR). مطالعات مدیریت صنعتی، ۱۸(۵۹): ۷۹-۱۱۶.

۱۳. دلالی اصفهانی، رحیم؛ بخشی دستجردی، رسول و حسین، سیدعقیل (۱۳۹۸). تحلیل تطبیقی تأثیرات اقتصادی سیستم بانکداری متعارف و نهاد قرض الحسنه. *راهبرد اقتصادی*، ۷(۲۱): ۵۱-۸۱.
۱۴. روحانی، سیدعلی و علیزاده قره باغ، رضا (۱۳۹۴). جایگاه بانک‌های قرض الحسنه در نظام پولی ایران، بسترهای قانونی و تحلیل عملکرد مالی. *همایش بانکداری اسلامی*.
۱۵. سیدنورانی، سیدمحمدرضا؛ تار، فتح‌اله و آقاجانی، کریم (۱۳۹۶). عوامل موثر بر انحراف تسهیلات اعطایی در ایران. پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۵(۸۱): ۱۸۷-۲۲۸.
۱۶. طاهرپور، جواد؛ محمدی، تیمور و فردی کلهرودی، رضا (۱۳۹۸). تأثیر توزیع تسهیلات بانکی بر رشد اقتصادی ایران؛ با تأکید بر عقود مشارکتی و مبادله‌ای. *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۱۲(۲۳): ۱۷۶-۱۵۱.
۱۷. عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن و شیخزاده، محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. *اندیشه مدیریت راهبردی*، ۵(۲).
۱۸. عاقلی، لطفعلی (۱۴۰۰). عوامل موثر بر اعطای تسهیلات قرض الحسنه در ایران. *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۳۷: ۲۷-۴۴.
۱۹. عزیزنژاد، صمد؛ حیدری، حسن؛ پورسید، بهزاد و سیدنورانی، سیدمحمدرضا (۱۳۸۷). تحلیلی بر تأسیس بانک قرض الحسنه مهر ایران و پیش‌نویس طرح ادغام بانک‌ها. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (دفتر مطالعات اقتصادی)، گزارش ۲۲۰(۹۰۲۳).
۲۰. قائمی اصل، مهدی و خلجی پیربلوطی، زهرا (۱۴۰۰). طراحی مکانیسمی برای ایجاد اتحادیه قرض الحسنه مبتنی بر فناوری‌های نوین مالی. *اقتصاد اسلامی*، ۲۱(۸۱): ۳۱-۶۳.
۲۱. قلیچ، وهاب و خوانساری، رسول (۱۳۹۹). الزامات اصلاح ساختار تسهیلات خرد و کلان در نظام بانکی ایران (گزارش سیاستی). پژوهشکده پولی و بانکی (بانک مرکزی ج.ا.ا.).
۲۲. مکیان، سید نظام‌الدین و الراجی، مصطفی (۱۴۰۰). تأثیر تسهیلات قرض الحسنه بر اشتغال در اقتصاد ایران. *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۳۵: ۳۱-۴۷.
۲۳. ملاکریمی، فرشته و قلیچ، وهاب (۱۳۹۵). موانع حذف ربا از نظام بانکی ایران و ارائه راهکارهای اصلاحی (گزارش سیاستی). پژوهشکده پولی و بانکی (بانک مرکزی ج.ا.ا.).
۲۴. ناجی، مهدی (۱۳۹۸). بررسی عقد «قرض» به عنوان یک قرارداد سودآور در بانکداری اسلامی. *تحقیقات اقتصادی*، ۵۴(۲): ۴۶۵-۴۸۵.

۲۵. نادری، جلال؛ موسویان، سیدعباس؛ ندیری، محمد و زارعی، فاطمه (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف (با تأکید بر تأثیر عوامل خاص بانکی). *جستارهای اقتصادی ایران*، ۱۶ (۳۲): ۶۱-۸۷.
۲۶. ندیری، محمد؛ موسویان، سیدعباس و نادری، جلال (۱۳۹۸). بررسی عوامل تأثیرگذار بر ریسک اعتباری در بانک‌های اسلامی. *اقتصاد اسلامی*، ۱۹ (۷۵): ۱۰۹-۱۳۸.
۲۷. نیلی، فرهاد؛ شاهچراغ، مهشید و طاهری، ماندانا (۱۳۹۴). تعیین خلق نقدینگی و نقش واسطه‌گری مالی بانک‌ها در ایران، روند، ۲۲ (۷۰): ۱۳-۴۹.
۲۸. یونسی، علی (۱۴۰۱). واکاوی و رتبه‌بندی آثار اقتصادی تسهیلات قرض‌الحسنه: رویکرد AHP. *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۴۱: ۶۱-۸۰.
29. Barra, C. & Ruggiero, N. (2023). Bank-specific factors and credit risk evidence from Italian banks in different local markets. *Financial Regulation and Compliance*, 31(3): 316-350. DOI:10.1108/JFRC-04-2022-0051.
30. Bezemer, D., Ryan-Collins, J., Van Lerven, F. & Zhang, L. (2023). Credit policy and the 'debt shift' in advanced economies. *Socio-Economic Review*, 21(1): 437-478. DOI:10.1093/ser/mwab041.
31. Braun, V. & Clarke, V. (2006). *Thematic Analysis: A Practical Guide*. Sage Publications Ltd.
32. Budde, Nate (2013). What is a credit policy - and how do I make a good one?. <https://www.levelset.com/blog/>. Last updated: 2022.
33. Creswell, J. W. (2003). *Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches*, Second Edition, And Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
34. Fatixovna, K. N. (2023). A new approach to the concept of credit and monetary policy in the Uzbek banking sector. *ONLINE-CONFERENCES PLATFORM*: 13-15.
35. Freedman, Max (2023). How to develop a credit policy. *Business News Daily Contributing Writer*; <https://www.businessnewsdaily.com/16049-credit-policy.html>.
36. Glantz, M. (2003). *managing bank risk*. London:academic press.
37. Goggin, M. L. (1986). The "too few cases /too many variables" problem in implementation research. *Western Political Quarterly*, 39(2): 328-347.
38. Goodfriend, M. (2011). Central Banking in the Credit Turmoil: An Assessment of Federal Reserve Practice. *Monetary Economics*, 58(1): 1-12.
39. [HTTPS://www.ldoceonline.com/dictionary/credit-policy](https://www.ldoceonline.com/dictionary/credit-policy).
40. Kovalova, O. & Iorgachova, M. (2021). Credit policy of a commercial bank in conditions of uncertainty of the economic environment. *Financial and Credit Activities: Problems of Theory and Practice*; 5(40): 65-75.

41. Kumar, M., Arora, A., & Lahille, J. P. (2011). Construct of credit risk management index for commercial banks. *Banks and Bank Systems*, 6(1).
42. Lee, Jiho. (2019). The Effectiveness of credit policy: evidence from the Republic of Korea. *Asian Development Review*, 36(1): 206–224. https://doi.org/10.1162/adev_a_00128.
43. Lester, J. P., & Bowman, A. O. M. (1989). Implementing environmental policy in a federal system: a test of the Sabatier-Mazmanian model. *Polity*, 21(4): 731-753.
44. Monnet, E. (2014). Monetary policy without interest rates: evidence from France's golden age (1948 to 1973) using a narrative approach. *American Economic Journal: Macroeconomics*, 6: 137–169.
45. Setiawan, R., Abu-Rumman, A., Cavaliere, L., Ratna Mary, Ch., Pachala, V., Khan, A. & Sankaran, D. (2020). Building strategies for The banking sector during the economic crisis. *Productivity management*, 25(1): 821-840.
46. Shin, H. S. (2015). Macroprudential tools, their limits and their connection with monetary policy. Panel remarks at IMF Spring Meeting: Rethinking Macro Policy III: Progress or Confusion?" Washington, DC. 15 April.
47. Shui, S. & Wan, M. (2016). Credit policy, real exchange rate volatility and moral hazard. *Econ Policy*, Springer-Verlag Berlin Heidelberg. DOI:10.1007/s10368-016-0342-6.
48. Stiglitz, J. (2015). New Theoretical Perspectives on the Distribution of Income and Wealth Among Individuals: Part IV: Land and Credit. *NBER Working Paper*, 21192: 1–36.
49. Werner, R. A. (2005). *New Paradigm in Macroeconomics: Solving the Riddle of Japanese Macroeconomic Performance*. London, Palgrave Macmillan.
50. Zhang, K., Li, Y., Qi, Y., & Shao, S. (2021). Can green credit policy improve environmental quality? Evidence from China. *Environmental Management*, 298, 113445.

